

نقش چین در توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در ایران



معاونت بررسی های اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران



تهیه و تنظیم: محمود نصیری

معاونت بررسی‌های اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

مهر ۱۴۰۲

موضوع این گزارش، الزاماً موضوع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران نیست.

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست مطالب

۱.....	خلاصه مدیریتی
۳.....	مقدمه
۴.....	مفهوم و انواع مناطق آزاد و اثرات متنوع آن بر اقتصاد
۶.....	چالش‌های موجود در مناطق آزاد ایران
۶.....	تجربه موفق کشور چین در مناطق ویژه اقتصادی
۱۰.....	نقش چین در توسعه مناطق آزاد تجاری سایر کشورها
۱۵.....	روابط تجاری ایران و چین
۱۸.....	نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی
۲۱.....	منابع



خلاصه مدیریتی

تجربه کشورها نشان می‌دهد در شرایطی که گرایش به آزادسازی اقتصادی وجود دارد ولی توان اجرای سیاست‌های اصلاحات اقتصادی و تجاری به صورت فراگیر بویژه برقراری معافیت‌های گمرکی گسترده در سطح کشوری فراهم نباشد و امکان ورود به بازارهای بین‌المللی نیز با موانع زیادی مواجه است، منطقه آزاد می‌تواند رویکردی موثر برای توسعه صنعتی و افزایش صادرات از طریق جذب سرمایه‌های خارجی باشد. بر اساس این نگاه، منطقه آزاد را می‌توان به عنوان یک حوزه جغرافیایی خاص تعریف کرد که از شمول بسیاری از محدودیت‌های سرزمین اصلی خارج است و در آن دولت‌ها با ارائه امتیازات خاصی همچون معافیت از عوارض گمرکی، مشوق‌های مالیاتی، تسهیل رویه‌های اداری و مجوزها از فعالیت‌های اقتصادی حمایت می‌کنند. می‌توان گفت که مناطق آزاد معمولاً با هدف دستیابی به یک یا چند مورد از چهار هدف سیاستی ایجاد می‌شوند: (۱) جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، (۲) به عنوان یک محرک برای کاهش بیکاری، (۳) حمایت از یک استراتژی اصلاحات اقتصادی گسترده و (۴) به عنوان یک آزمایشگاه برای اعمال سیاست‌ها و رویکردهای جدید.

با توجه به حضور کم‌رنگ ایران در عرصه رقابت جهانی، ورود آزمایشی و تدریجی برای تعمیم سازوکار بازار آزاد به کل اقتصاد کشور از طریق ایجاد مناطق آزاد رویکرد مناسبی به نظر می‌رسد؛ توسعه این مناطق می‌تواند عاملی مؤثر در جهت جبران فرصت‌های از دست‌رفته و توسعه صادرات، ایجاد اشتغال مولد، ارتقای جایگاه اقتصادی کشور و بهره‌مندی از اقتصاد رقابتی باشد. با علم به این موضوع، تأسیس مناطق آزاد در ایران از حدود سی سال پیش در دستور کار قرار گرفت و اکنون این مناطق مزیت دسترسی به آب‌های آزاد و در نتیجه موقعیت استراتژیک خوبی دارند، ولی به نظر می‌رسد چندان موجب پیشرفت کشور نشده‌اند و از هدف اصلی خود یعنی جذب سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش صادرات دوره شده‌اند و به سمت واردات روی آورده‌اند. عواملی مهمی بر این عدم موفقیت اثر گذارند که بر اساس مطالعات تجربی مهمترین آن‌ها عبارتند از: تحریم‌های بین‌المللی، نبود زیرساخت‌های لازم در این مناطق، عدم عضویت در سازمان تجارت جهانی، موضوع مالکیت شرکت‌های خارجی در مناطق آزاد، فراهم نبودن شرایط برای فعالیت بانک‌های خارجی، تناقضات در مدیریت مناطق آزاد، عدم شفافیت قانونی در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی، تعارض اهداف و نگرش منفی جهان و غرب نسبت به ایران.

کشور چین تأسیس مناطق آزاد را در قالب نمونه‌های آزمایشی، محدود و کنترل شده و برای تعمیم تدریجی سازوکار بازار آزاد به مجموعه اقتصاد شروع کرد و در حال حاضر موفق‌ترین کشور در توسعه این مناطق در جهان است. مهمترین دلایل موفقیت چین در این زمینه عبارتند از: تغییر نگرش رهبران به اقتصاد و توسعه، شفافیت در مقررات، محیط سیاسی و اقتصادی نسبتاً باز مناطق ویژه، در دسترس بودن زیرساخت‌ها، تأمین مالی مناسب برای مناطق، کارآمدی دولت‌های محلی، موقعیت جغرافیایی مناسب مناطق آزاد، بزرگ مقیاس بودن این مناطق، تعادل در دخالت دولت، تمرکز بر مزیت نسبی مناطق، تمرکز بر توسعه تولید صادرات محور و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، جلوگیری از توسعه بی‌ضابطه تعداد و وسعت مناطق آزاد و آزادی عمل سرمایه‌گذاران خارجی. چین همچنین تمایل زیادی به سرمایه‌گذاری در خاورمیانه و کشورهای آفریقا دارد و تجربه ورود چین به مناطق آزاد این کشورها نیز نشان داده است که سرمایه‌گذاری‌های چینی نسبتاً به تنوع اقتصادی و توسعه این کشورها کمک کرده است. در واقع با افزایش قدرت اقتصادی چین، این کشور به طور فزاینده‌ای با



ایالات متحده و بقیه کشورهای غربی رقابت می کند و ایجاد حوزه های نفوذ در سایر کشورها در این پارادایم معنی می دهد. برآستی چین در حال ایجاد یک نظم بین المللی جایگزین برای رقابت با ابرقدرتهای جهان است و این موضوع به عنوان پایه و اساس روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی چین با خاورمیانه و جنوب صحرای آفریقا و همچنین بسیاری از کشورهای دیگر جهان در حال توسعه عمل خواهد کرد.

دلایل متعددی برای این باور وجود دارد که سرمایه گذاری چین در مناطق آزاد ایران می تواند نقش موثری در توسعه آنها داشته باشد. این دلایل عبارتند از: تجربه موفق چین در استفاده از مناطق ویژه اقتصادی، تجربه موفق چین در سرمایه گذاری در مناطق آزاد تجاری سایر کشورها، تمایل چین به سرمایه گذاری در کشورهای خاورمیانه و آفریقا، بزرگترین طرف تجاری ایران بودن و امکان همکاری در قالب تفاهم نامه ۲۵ ساله ایران و چین. با این حال تجربه ورود چین به سایر کشورها سراسر موفقیت نبوده است و معایب زیادی نیز به همراه داشته است که در خصوص ورود این کشور به ایران، یک رویکرد هوشمندانه ایجاد می کند تا به تکرار مزایا پرداخت و از معایب جلوگیری کرد. مهمترین مزایای ورود چین به سایر کشورها، جذب سرمایه گذاران چینی، انتقال تکنولوژی، تأمین مواد اولیه و قطعات مورد نیاز صنایع، متنوع سازی محصولات داخلی و افزایش و توسعه صادرات بوده است. اما این احتمال وجود دارد که قوانین کار رعایت نشود و از نیروی کار ارزان این کشورها بهره کشی شود، همچنین تخریب محیط زیست منطقه، افزایش بدهی کشور میزبان و در نتیجه وابستگی اقتصادی و سیاسی به کشور سرمایه گذار و تمرکز سرمایه گذاری مستقیم خارجی در بخش های کم مهارت نیروی کار از دیگر معایب آن است.

برای اینکه ورود چین به مناطق آزاد ایران به یک نتیجه برد- برد منتهی شود نیاز است اقداماتی اساسی صورت پذیرد؛ تعیین این اقدامات نیاز به یک برنامه ریزی مشارکتی با حضور خبرگان اقتصادی و سیاسی در این حوزه دارد. گزارش حاضر در واقع به عنوان سند پیش نویس برای این برنامه ریزی تهیه شده و پیشنهاداتی نیز در این جهت و برای آماده سازی زمینه ها برای توسعه مناطق آزاد ارائه می دهد. این پیشنهادات به چهار دسته کلی طبقه بندی می شوند: بهبود روابط بین الملل، اصلاح قوانین و مقررات، بهبود ساختار اقتصادی و سیاسی داخلی، بهبود ساختار مناطق آزاد و در نظر گرفتن الزاماتی در عقد قرارداد با سرمایه گذاران چینی.



اقتصاد ایران تک محصولی و وابسته درآمدهای نفتی است که می تواند باعث بی ثباتی رشد اقتصادی و مشکلات متعدد اقتصادی شود. برای برون رفت از این وضعیت باید به این واقعیت توجه شود که توسعه کشور نیازمند منابع، امکانات و راهکارهای جدیدی برای متنوع سازی محصولات و اقتصاد است که امکانات بالقوه را با استفاده از دانش و فن آوری به روز جهانی فعال نماید. از این رو افزایش تعاملات تجاری، ارتباط و پیوند به اقتصاد جهانی و تقویت رقابت در صنعت و تجارت از الزامات برون رفت از این مشکلات خواهد بود [1].

گرچه در خصوص پیوند به اقتصاد جهانی رویکردهای متفاوتی وجود دارد، تجربه کشورها نشان می دهد در شرایطی که گرایش به آزادسازی اقتصادی وجود دارد ولی توان اجرای سیاست های اصلاحات اقتصادی و تجاری به صورت فراگیر بویژه برقراری معافیت های گمرکی گسترده در سطح کشوری وجود ندارد و امکان ورود به بازارهای بین المللی نیز با موانع زیادی مواجه است، منطقه آزاد¹ می تواند رویکردی موثر برای توسعه صنعتی و افزایش صادرات از طریق جذب سرمایه های خارجی باشد [2]. از این منظر، منطقه آزاد را می توان به عنوان یک حوزه جغرافیایی خاص تعریف کرد که از شمول بسیاری از محدودیت های سرزمین اصلی خارج است و در آن دولت ها با ارائه امتیازات خاصی همچون معافیت از عوارض گمرکی، مشوق های مالیاتی، تسهیل رویه های اداری و مجوزها از فعالیت های اقتصادی حمایت می کنند [3]. در مناطق آزاد کالاها را می توان بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی صادر کرد یا به این مناطق وارد نمود و آنها را برای مدتی در انبار ذخیره و در صورت لزوم بسته بندی و مجدداً صادر² کرد. در این مناطق علاوه بر صادرات و واردات، شرایط و بستری های مورد نیاز جهت تبدیل مواد خام و کالاهای واسطه ای وارداتی به محصولات نهایی با هدف صادرات فراهم می شود؛ تولیداتی که در مناطق آزاد انجام می شود از دو ویژگی مهم بخشودگی های مالیاتی و ورود مواد اولیه، ماشین آلات و تجهیزات بهره می برند و این عوامل قیمت تولید را در منطقه کاهش می دهد [4, 5]. در واقع اهداف اصلی از ایجاد این مناطق، جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی، انتقال تکنولوژی، افزایش صادرات و ایجاد اشتغال است [6, 7].

می توان گفت برای کشورهای که قصد اتصال تدریجی و آزمون شده اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی را دارند، مناطق آزاد گزینه ای برای این تصمیم است که می تواند با فراهم کردن شرایط برای بازرگانی بین المللی همچون مشوق های مالیاتی و دیگر مشوق ها منجر به جذب سرمایه های خارجی، دستیابی به فناوری پیشرفته، ارتقای سطح فعالیت های تولیدی با جهت گیری صادراتی، افزایش کارایی و رقابت پذیری اقتصاد ملی و ایجاد فرصت های شغلی جدید شود [7, 8].

با توجه به انزوای ایران در سطح بین المللی و حضور کمرنگ در عرصه رقابت جهانی، ورود آزمایشی و تدریجی برای تعمیم سازوکار بازار آزاد به مجموعه اقتصاد ضروری به نظر می رسد و از اینرو ایجاد مناطق آزاد به عنوان عاملی مؤثر در جهت جبران فرصت های از دست رفته و توسعه صادرات، ایجاد اشتغال مولد، ارتقای جایگاه اقتصادی کشور و بهره مندی از اقتصاد رقابتی می تواند رویکرد مناسبی باشد.

¹ Free Zone

² Re-export



گرچه بیش از سی سال^۱ از اعلام تاسیس این مناطق در کشور می‌گذرد و علیرغم منابع و ذخایر فراوان طبیعی و چشم اندازهای بالقوه اقتصادی مناطق آزاد، نتایج مطالعات نشان می‌دهد جذب سرمایه‌گذار در این مناطق به کندی صورت گرفته است [5, 9] به طوری که بررسی عملکرد اقتصادی مناطق آزاد بیانگر وضعیت ضعیف و غیر قابل قبول در مقایسه با مناطق آزاد سایر کشورهای جهان و همچنین سرزمین اصلی کشورمان است؛ به طور مثال میانگین سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد ایران در هر سال حدود ۲۰۰ میلیون دلار است [10]. این آمار در مقایسه با آمارهای کشورهای همسایه بسیار ناچیز است است [11]. همچنین مناطق آزاد کشور در طی سالهای گذشته با میانگین سالیانه ۱۰۰ میلیون دلار، کمتر از ۱ درصد از ارزش صادرات کشور را بر عهده داشته‌اند [10]. می‌توان گفت که این مناطق از هدف اصلی خود یعنی جذب سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش صادرات دوره شده‌اند و به سمت واردات روی آورده‌اند [9, 10, 11]. علاوه بر این حمایت‌های دولت نتیجه‌ای در جهت توسعه مناطق مذکور نداشته و عایدی آن درآمدی بسیار ناچیز برای مرزنشینان بوده و در عوض منافع آن به زیان تولید داخل نصیب عده محدودی از تجار شده است [12].

چین از موفق‌ترین کشورهای است که در حوزه مناطق آزاد تجارب بسیار ارزشمندی دارد. گرچه نمی‌توان موفقیت مناطق آزاد چین را جدای از موفقیت اقتصادی آن در نظر گرفت اما مطالعات نشان می‌دهند که عواملی چون بستر نهادی، زیرساخت‌های اقتصادی و سیاست‌ها و مقررات باعث این موفقیت شده‌اند. کشورهای در حال توسعه‌ای همچون ایران باید این تجربیات را هنگام ایجاد مناطق خود در نظر بگیرند.

در ادامه تلاش می‌شود ضمن بررسی مهمترین چالش‌های مناطق آزاد در ایران، تجربه موفق چین در مناطق آزاد و مهمترین دلایل موفقیت این کشور آورده شود. سپس با نقش چین در توسعه مناطق آزاد سایر کشورها و نیز رابطه تجاری این کشور با ایران، پیشنهادهایی برای ورود چین در توسعه مناطق آزاد ایران ارائه شود.

مفهوم و انواع مناطق آزاد و اثرات متنوع آن بر اقتصاد

ایجاد مناطق آزاد تجاری براساس مبانی نظری منطبق با راهبرد توسعه صادرات و راهبرد تجارت خارجی، به پدیده‌هایی فراگیر در دنیای امروز تبدیل شده است و از این رو می‌توانند به عنوان عامل محرک توسعه عمل کنند. هدف از ایجاد این مناطق، فراهم کردن شرایط مناسب برای ارتباط و پیوند به اقتصاد جهانی و بهره‌مندی از اقتصاد رقابتی از طریق جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و انتقال تکنولوژی، تأمین مواد اولیه و قطعات موردنیاز صنایع، برقراری پیوندهای صنعتی با داخل کشور، افزایش و توسعه صادرات و افزایش توریسم و در نتیجه ارتقای دسترسی به بازار، مهارت‌ها، ایجاد اشتغال، افزایش درآمدهای عمومی، افزایش رفاه اقتصادی و سپس منافع ملی است [1, 6, 13, 14, 15]. مناطق آزاد تجاری این ظرفیت را دارند تا با جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پایه توسعه صادرات را استحکام بخشیده و از طرف دیگر با بهره‌گیری از منابع و استعدادهای بالقوه کشور، مزیت‌های نسبی اقتصاد را بالفعل کنند [16, 17].

^۱ دولت ایجاد سه منطقه آزاد تجاری قشم، کیش و چابهار را در سال ۱۳۶۹ اعلام کرد.



به صورت کلی می توان گفت که مناطق آزاد معمولاً با هدف دستیابی به یک یا چند مورد از چهار هدف سیاستی ایجاد می شوند: (۱) جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی، (۲) به عنوان یک محرک برای کاهش بیکاری، (۳) حمایت از یک استراتژی اصلاحات اقتصادی گسترده و (۴) به عنوان یک آزمایشگاه برای اعمال سیاست ها و رویکردهای جدید [18].

در سطح جهانی دامنه گسترده ای از اصطلاحات درباره مناطق آزاد به کار برده شده است؛ همچون منطقه آزاد تجاری^۱، مناطق ویژه اقتصادی^۲، منطقه آزاد صادرات^۳، منطقه آزاد صنعتی^۴، مناطق آزاد اقتصادی^۵، پارک صادرات^۶، مناطق پردازش صادرات^۷، منطقه تجارت خارجی^۸، بندر آزاد^۹، منطقه تولید آزاد^{۱۰} و منطقه آزاد مالیاتی^{۱۱}. [3]. این اصطلاحات در حین اینکه بسیاری مواقع به اشتباه به جای هم به کار برده می شوند، معناها و کاربردهای متفاوتی دارند که باید مورد توجه قرار گیرند. با این حال، این مناطق آزاد از یک شاکله کلی تبعیت می کنند؛ اغلب مناطق یک یا چند معافیت مالی و مقرراتی را در محدوده ای از سرزمین خود دارا هستند تا به هدف های خاصی همچون توسعه تولید و صادرات کالا برسند.^{۱۲}

بر اساس ادبیات موضوع، گرچه مناطق آزاد می توانند بستر مناسبی برای جذب سرمایه گذاری خارجی و افزایش صادرات باشند و از این رو نتایج مثبتی داشته باشند، این مناطق می توانند اثرات منفی نیز به همراه داشته باشند که درک آنها می تواند کمک بسیار زیادی به حمایت های دولتی و سرمایه گذاری صحیح در این مناطق نماید. در زیر به برخی از مهمترین این اثرات اشاره می شود:

- اثرات مثبت: مهمترین اثرات مثبت مناطق آزاد جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی، انتقال تکنولوژی، تأمین مواد اولیه و قطعات مورد نیاز صنایع، برقراری پیوندهای صنعتی با داخل کشور، متنوع سازی محصولات داخلی، افزایش و توسعه صادرات و افزایش توریسم و در نتیجه ارتقای دسترسی به بازار، مهارت ها، ایجاد اشتغال، افزایش درآمدهای عمومی، افزایش رفاه اقتصادی است.
- اثرات منفی: این احتمال وجود دارد که درآمد مالیاتی از دست رفته، هزینه های اجتماعی و زیست محیطی ایجاد این مناطق، بیشتر از منافع اقتصادی ناشی از سرمایه گذاری مستقیم خارجی و تولید صادرات باشد. مهمترین این اثرات عبارتند از: رعایت نکردن قوانین کار و بهره کشی از نیروی کار ارزان در این مناطق، تخریب محیط زیست منطقه، افزایش بدهی کشور میزبان و در نتیجه وابستگی اقتصادی و سیاسی به کشور سرمایه گذار، تمرکز سرمایه گذاری

¹ Free Trade Zone

² Special Economic Zones

³ Free Export Zone

⁴ Industrial Free Zone

⁵ Economic Free Zone

⁶ Export Park

⁷ Export Processing Zones

⁸ foreign-trade zone

⁹ Free Port

¹⁰ Free Production zone

¹¹ Tax free zone

^{۱۲} در میان اصطلاحات رایج در خصوص مناطق آزاد، در ایران دو اصطلاح منطقه آزاد تجاری و مناطق ویژه اقتصادی پر کاربردتر هستند؛ کیش، قشم، چابهار، ارس، انزلی، اروند، ماکو و شهر فرودگاهی امام خمینی، در حال حاضر هشت منطقه آزاد تجاری- صنعتی ایران را تشکیل می دهند. همچنین ۳۴ منطقه ویژه اقتصادی در مناطق مختلف ایران وجود دارد که جذب سرمایه در آنها انجام می شود [19].



مستقیم خارجی در بخش های کم مهارت نیروی کار، نابرابری منطقه ای بین مناطق آزاد و سایر مناطق کشور. همچنین تجربه نشان داده که سرمایه گذاران خارجی احتمالاً پس از انقضای دوره های معافیت های مالیاتی، مکان های بهتری را پیدا می کند و مناطق آزاد را رها می کنند [18, 20].

چالش های موجود در مناطق آزاد ایران

در ایران، مناطق آزاد به دلیل دسترسی به آب های آزاد، موقعیت استراتژیک خوبی دارند و این موضوع به عنوان مزیتی برای این مناطق به شمار می رود [7]، ولی به نظر می رسد این مناطق چندان موجب پیشرفت کشور نشده اند [2,9,10,11,12,21]. در مقایسه با تجربه سایر کشورها، ایجاد این مناطق در ایران و عملکرد آنها در برخی از اهداف تعیین شده نظیر صادرات، جذب سرمایه گذاری خارجی و تولید با دستاورد چندان قابل اعتنایی همراه نبوده است به طوری که خالص صادرات در تمام مناطق آزاد کشور منفی بوده است. طبق ادبیات اقتصادی، پایین بودن خالص صادرات به احتمال زیاد ناشی از ناتوانی صنایع مستقر در مناطق آزاد و پیوندهای ضعیف آنها با صنایع داخلی است [7].

در زیر به برخی از مهمترین موانع در پیشرفت مناطق آزاد اشاره می شود:

- تحریم های بین المللی [22]؛
- کمبود زیرساخت های لازم در مناطق آزاد [9,10,11]؛
- عدم عضویت در سازمان تجارت جهانی [1,23]؛
- عدم شفافیت قانونی در خصوص سرمایه گذاری خارجی موضوع مالکیت برای سرمایه گذاران خارجی در مناطق آزاد [1,9]؛
- فراهم نبودن شرایط برای فعالیت بانک های خارجی [9]؛
- وجود تناقضات در مدیریت مناطق آزاد [9]؛
- تعارض اهداف به خاطر گستردگی آنها [7]؛
- نگرش منفی جهان و غرب نسبت به ایران [22].

تجربه موفق کشور چین در مناطق ویژه اقتصادی

روند قابل توجه رشد اقتصادی چین از طریق جهانی شدن در سال ۱۹۷۸ با اجرای «سیاست درهای باز»^۱ آغاز شد. این روند، آزادسازی عوامل تولید و انباشت سرمایه خصوصی و شرکتی را که عمدتاً از قبل ممنوع بود را امکان پذیر کرد. به دنبال آن سرمایه گذاری های کلان صوت گرفت و زیرساخت ها (مانند املاک، خدمات آب و برق، حمل و نقل و ارتباطات) به شکل سریعی گسترش یافت. در این فضا و از دهه ۱۹۸۰، مناطق ویژه اقتصادی نقش مهمی در ادغام چین در اقتصاد جهانی و توسعه اقتصادی آن داشتند؛ مناطق ویژه بخشی از یک استراتژی صادرات محور بودند که مشخصه بسیاری از اقتصادهای آسیایی از زمان جنگ جهانی دوم بوده است (ژاپن اولین کسی بود که چنین استراتژی را در منطقه ایجاد کرد). هدف آنها جذب سرمایه گذاری و فناوری خارجی (بسیاری از طریق ایجاد سرمایه گذاری های مشترک)، ایجاد اشتغال، استفاده از منابع و

¹ Open Door Policy

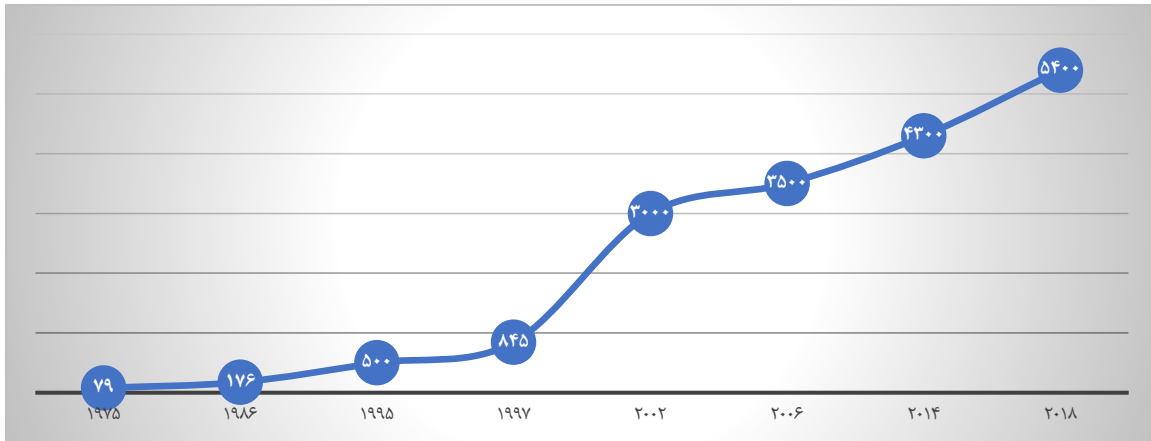


مزیت‌های چین و حمایت از تشکیل سرمایه بود. در نهایت پس از این سرمایه‌گذاری‌ها و تولیدات، بخش عمده‌ای از محصول به بازارهای خارجی صادر شد [24]. در واقع توسعه مناطق ویژه اقتصادی یکی از ویژگی‌های کلیدی اصلاحات بود که به اقتصاد چین (که قبلاً در سطح بین‌المللی منزوی بود) اجازه داد تا به تدریج با اقتصاد جهانی، تجارت جهانی و سرمایه‌گذاری خارجی درگیر شود. با گذشت زمان، تعداد این مناطق افزایش یافت و در امتداد ساحل و بعداً در مناطق داخلی از طریق یک فرآیند تدریجی گسترش یافت. با ایجاد مناطق ویژه اقتصادی، دولت مرکزی هدف خود را جذب سرمایه خارجی، تشویق سرمایه‌گذاری‌های مشترک و مشارکت بین شرکت‌های داخلی و خارجی و ترویج صادرات قرار داد. همچنین چارچوب‌های قانونی ویژه‌ای را برای حمایت از حقوق مالکیت در مناطق، مشوق‌های مالیاتی و تخصیص حقوق استفاده از زمین معرفی کرد و قدرت قابل توجهی بر مدیریت مناطق ویژه اقتصادی به دولت‌های محلی غیرمتمرکز واگذار شد [20, 25].

کشور چین تأسیس مناطق ویژه را با هدف تجربه‌اندوزی در مورد عملکرد اقتصاد آزاد در قالب نمونه‌های آزمایشی، محدود و کنترل شده، برای تعمیم تدریجی سازوکار بازار آزاد به مجموعه اقتصاد شروع کرد. در این مسیر، امکانات بسیاری برای توسعه زیربنای مناطق ویژه اقتصادی جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی ظرف تنها چند سال شکل گرفت. همچنین به منظور اطمینان بخشی در خصوص ثبات و پایداری وضعیت سیاسی چین، این کشور سیاست‌های خارجی سازنده و آرامی را در پیش گرفت. انتخاب شهرها و مناطق جغرافیایی وسیع و محدود نکردن عملکرد آنها به کارکردهای صرفاً صنعتی، از دیگر رویکردهای مورد توجه در مناطق ویژه اقتصادی چین به‌شمار می‌رود که با تحقق صرفه‌های ناشی از مقیاس و صرفه‌های ناشی از تجمع، امتیازات مهمی را برای این حوزه‌ها ایجاد کرده‌اند. در حال حاضر، مناطق ویژه اقتصادی چین سهم بسزایی در ایجاد اشتغال، صادرات کل کشور و برآورده کردن هدف توسعه منطقه‌ای دارند و بر این اساس چینی‌ها توانستند تبعات منفی پیاده‌سازی اقتصاد آزاد را در مناطق ویژه اقتصادی مورد ارزیابی قرار دهند و راه‌حلهایی برای مهار و کنترل آن بیابند و به تدریج این تجربیات را به دیگر مناطق کشور تعمیم دهند. در این راستا فناوری و دانش فنی که از طریق سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق ویژه به‌دست آمده بود، برای نوسازی کل صنعت چین مورد استفاده قرار گرفت [7].

توسعه مناطق ویژه اقتصادی در چین چندین مرحله را طی کرد که با تنظیم و گسترش زیرساخت‌ها مرتبط بود: در سال ۱۹۸۰، چهار منطقه ویژه در مجاورت هنگ کنگ (شنژن)، ماکائو (ژوهای) و تایوان (شان‌تو) و شیامن تأسیس شدند. مکان آنها با هدف جذب سرمایه‌های چینی برون مرزی و به عنوان ویتربینی برای تأثیرات بالقوه چنین اصلاحاتی بود. این موضوع به‌طور چشمگیری با سیاست‌های برنامه‌ریزی مرکزی که از زمان تشکیل جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹ انجام شده بود، متفاوت بود. پس از ارزیابی مدل مناطق ویژه و موفقیت آمیز بودن آن، گسترش این مناطق در دستور کار قرار گرفت [25]. چین پس از اجرای موفق سیاست‌های آزمایشی در مناطق ویژه، در حال توسعه این الگو به سایر نقاط کشور خود از جمله شهرک‌های صنعتی است. [26] نمودار شماره (۱) این روند روبه رشد را به خوبی نشان می‌دهد:

نمودار ۱- تعداد مناطق ویژه اقتصادی در چین



منبع: UNCTAD, 2019. [27]

مزایا و معایب مناطق ویژه اقتصادی بر اساس تجربه چین^۱

به صورت کلی این مدل اقتصادی با ارائه شرایط ترجیحی برای تحریک صادرات، جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی و پیوند اقتصادها به زنجیره های ارزش جهانی، دگرگونی ساختاری، رشد فراگیر و توسعه اقتصادی را ارتقا می دهد. مناطق ویژه اقتصادی می توانند اشتغال قابل توجهی ایجاد کنند و می توانند توسعه صنعتی را از طریق انتقال فن آوری ها و دانش تسهیل کنند. برخی از مطالعات نشان داده اند که دستمزدها در مناطق ویژه بالاتر است و شرایط کاری نسبتاً مطلوب است. این مناطق ممکن است با وارد کردن زنان به بازار کار که در بسیاری از مناطق بخش بزرگی از نیروی کار را تشکیل می دهند، آنها را توانمند کنند. علاوه بر این، این مناطق به عنوان سایت های آزمایشی برای اصلاحات اقتصادی گسترده تر مورد استفاده قرار گرفته اند. این مناطق چین را به بزرگترین دریافت کننده سرمایه گذاری مستقیم خارجی در میان کشورهای در حال توسعه و بزرگترین صادرکننده جهان به ویژه کالاهای تولیدی تبدیل کردند. سایر اثرات مثبت شامل انتقال فناوری، ارتقاء سرمایه انسانی و افزایش سطح درآمد کارگران بود.

از سوی دیگر، شواهد موجود نشان می دهد که مناطق ویژه اقتصادی منافع نابرابر ایجاد می کنند؛ گسترش تجارت، اشتغال و فرصت های توسعه برای برخی از ذینفعان دارای امتیاز زیادی است در حالی که مصادره زمین ها بر فقیرترین و آسیب پذیرترین گروه های جامعه تأثیر می گذارد. مناطق ویژه اقتصادی در چین نابرابری های منطقه ای را تشدید کردند و شکوفایی اقتصادی را برای شهرهای ساحلی به ارمغان آوردند، اما این مزایا در مناطق غربی و مرکزی وجود ندارد. منع یا سهل گیری مقررات زیست محیطی در داخل این مناطق برای جذب سرمایه گذاری منجر به افزایش آلودگی و تخریب محیط زیست می شود. رشد قارچ گونه این مناطق، فعالیت های قاچاق، سوء استفاده های مالیاتی، مصادره غیرقانونی زمین و نقض قوانین زمین را به همراه دارد. شرایط کار در اکثر مناطق اقتصادی غیر استاندارد است شامل ساعات طولانی کار، خطرات بهداشتی و

^۱ همچنین در کشور چین مفهوم دیگری به عنوان مناطق آزاد تجاری (FTZ) نیز وجود دارد که در واقع انواعی از مناطق ویژه اقتصادی (SEZs) هستند که در آن کالاها امکان ورود، جابجایی، تولید و صادرات بدون دخالت مستقیم گمرک را دارا هستند [28].



ایمنی و عدم قطعیت های قراردادی است؛ این شرایط منجر به اختلافات کارگری، اعتصابات، اعتراضات و حتی خودکشی کارگران شد.

کشورهای در حال توسعه باید این تجربیات را هنگام ایجاد مناطق خود در نظر بگیرند. با توجه به وجود موازی مزایا و معایب، کپی کردن یک طرح یا مدل موجود، از جمله مدل ارائه شده توسط چین، کافی نیست. تکرار مزایا و اجتناب از معایب تا حد امکان نیاز به رویکردی هوشمندانه نسبت به شیوه های گذشته دارد که دلایل موفقیت چین در برخی زمینه ها و همچنین علل مشکلاتی را که تجربه کرده است در نظر می گیرد [20, 25].

درس آموخته های مدل مناطق ویژه اقتصادی چین

گرچه نمی توان موفقیت مناطق ویژه اقتصادی چین را جدای از موفقیت اقتصادی آن در نظر گرفت اما مطالعات نشان می دهند که عواملی چون بستر نهادی، زیرساخت های اقتصادی و سیاستها و مقررات باعث این موفقیت شده اند در زیر به برخی از مهمترین درس آموخته های تجربه مناطق ویژه چین اشاره می شود:

- ❖ **تغییر نگرش رهبران به اقتصاد و توسعه:** مهمترین عامل نهادی در اصطلاحات عظیم اقتصادی چین را می توان تغییر نگرش رهبران به مولفه های اصلی توسعه و اقتصاد دانست که با چین زمینهای به سوی برخی اصلاحات نهادی مثل بازکردن اقتصاد به روی سرمایه گذاران خارجی، حاکم کردن تدریجی اقتصاد بازار، حمایت از حقوق مالکیت، برقراری امنیت و ثبات در داخل، روابط خارجی و عدالت قضایی حرکت کرد؛
- ❖ **شفافیت در مقررات:** از جمله مقرراتی که در این فرآیند بسیار اثربخش بودند می توان به سه دسته اشاره کرد: (۱) مقررات پولی و بانکی با هدف تسهیل تاسیس بانک های خارجی، خرید و فروش اوراق قرضه و ارز، (۲) مقررات تجاری و تعرفه ای مثل حذف عوارض گمرکی، پرداخت وام های اعتباری به متقاضیان ایجاد تاسیسات زیربنایی در این مناطق، استفاده از نیروی انسانی خارجی، (۳) مقررات مالیاتی مثل سرمایه گذاری خارجی معاف از مالیات یا با مالیات کمتر از سرزمین اصلی؛
- ❖ **محیط سیاسی و اقتصادی نسبتاً باز در مناطق ویژه:** تفکیک نظام سیاسی و اقتصادی مناطق از سرزمین اصلی به منظور اجرای آزمایشی طرح های اصلاحی از مهمترین عامل موفقیت آنها بوده است؛
- ❖ **در دسترس بودن زیرساختها:** زیرساخت نه تنها یک نیاز اساسی برای همه فعالیت های اقتصادی است، بلکه جزء مهمی از محیط سرمایه گذاری است که در مناطق ویژه چین نقش به سزایی در جذب سرمایه گذاری های خارجی ایفا کرد؛
- ❖ **محیط تأمین مالی مناسب برای مناطق و کاهش وابستگی درآمد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به واردات و فروش زمین:** در این مناطق تأمین مالی فراوان، راحت و در دسترس به طور مؤثری تخصیص یافت و مکانیزم بازار در آنها نسبتاً باز و رقابتی بود. بانک های خارجی و انواع دیگر موسسات مالی نیز اجازه ورود به مناطق ویژه را داشتند. نتیجه این ابتکارات در دسترس بودن بیشتر و خدمات مالی انعطاف پذیرتر برای انواع شرکتها بوده است.
- ❖ **کارآمدی دولت های محلی:** قدرت قابل توجهی بر مدیریت مناطق ویژه اقتصادی به دولت های محلی غیرمتمرکز واگذار شد و دولت های محلی توانستند به طور مستمر ظرفیت های اداری خود را بر اساس نیازهای منطقه اقتصادی خاص اصلاح و ارتقا دهند، به ایجاد فضای رقابتی کسب و کار در منطقه اقتصادی خاص کمک کرد؛



- ❖ **موقعیت‌های جغرافیایی مناسب:** تلاش برای ارتقای ساختار صنعتی و رقابت پذیری در این مناطق تا حد زیادی به موقعیت استراتژیک آنها بستگی دارد به طوری که مکان‌یابی مناسب بر اساس شاخص‌های مختلف اقتصادی و سیاسی صورت گرفت؛
- ❖ **مناطق آزاد بزرگ مقیاس:** مناطق ویژه بزرگ مقیاس بیشترین سهم را در اصلاحات اقتصادی ملی داشته‌اند. در واقع مقیاس بزرگ می‌تواند منابعی مانند سرمایه انسانی، منابع طبیعی و سرمایه گذاری را راحت‌تر جمع‌آوری کند؛
- ❖ **تعادل در دخالت دولت:** دخالت بیش از حد دولت ممکن است فرصت آزمایش و نوآوری را کاهش دهد. طبق تجربه چین، دولت‌ها باید بخش خصوصی را تشویق کنند تا مناطق را مدیریت کنند، زیرا آنها انگیزه بیشتری برای نوآوری دارند. با این حال، نیاز به چارچوبی از قوانین برای محافظت از مردم و محیط زیست در این نیز باید در نظر گرفته شود؛
- ❖ **تمرکز بر مزیت نسبی مناطق:** تجربه چین گویای این واقعیت است که توسعه صنعتی و اقتصادی مناطق ویژه باید متناسب با مزیت نسبی هر منطقه برنامه ریزی شود؛
- ❖ **تمرکز مناطق بر توسعه تولید صادرات محور و جذب سرمایه‌گذاری خارجی:** یکی از ویژگی‌های توسعه مناطق ویژه در چین هدف گذاری صحیح و شفاف بود و به سمت تعریف اهداف گسترده و بعضاً متعارض حرکت نکردند. در این خصوص تمرکز بر این جذب سرمایه گذاری خارجی و صادرات، چین را به بزرگترین دریافت کننده سرمایه گذاری مستقیم خارجی در میان کشورهای در حال توسعه و بزرگترین صادرکننده جهان به ویژه کالاهای تولیدی تبدیل کرد؛
- ❖ **جلوگیری از توسعه بی ضابطه تعداد و وسعت مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و عدم ایجاد مناطق جدید در محدوده‌های دارای سکنه؛**
- ❖ **آزادی عمل سرمایه گذاران خارجی:** سرمایه‌های خارجی و سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی به راحتی می‌تواند به خارج از چین فرستاده شود و چنین سودی از مالیات بر درآمد وجه ارسالی معاف است. سرمایه گذاران خارجی در چین می‌توانند به هر نسبتی در طرح‌ها و فعالیت‌های اقتصادی مشارکت کنند و در صورت ملی شدن سرمایه‌ها، دولت متعهد به پرداخت غرامت است [18, 26, 29].

نقش چین در توسعه مناطق آزاد تجاری سایر کشورها

مشارکت چین در کشورهای دیگر مثل آفریقا و خاورمیانه در طول ده‌های گذشته پیرو سیاست‌های متفاوتی بوده است؛ در دوران مائو، هدف ترویج انقلاب از طریق جنبش‌های آزادی‌بخش ملی، حمایت از چین در نظام بین‌الملل، ایجاد توازن در برابر ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی و حمایت از اهداف جهان سوم بود. پس از مرگ مائو در سال ۱۹۷۶ و آغاز اصلاحات اقتصادی و سیاسی دنگ شیائوپینگ، چین بر بازسازی اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چین و توسعه استراتژی صنعتی‌سازی صادرات محور تمرکز کرد و هدف از مشارکت در دیگر کشورها، افزایش رشد اقتصادی داخلی چین از طریق دسترسی به منابع و بازارها بود. به مرور و با افزایش قدرت اقتصادی، این کشور به طور فزاینده‌ای با ایالات متحده و بقیه کشورهای غربی رقابت می‌کند و ایجاد حوزه‌های نفوذ در سایر کشورها در این پارادایم معنی می‌دهد. در واقع چین در حال ایجاد یک نظم بین‌المللی جایگزین برای رقابت با ابرقدرت‌های جهان است. این نظم جایگزین به عنوان پایه و اساس روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی چین با خاورمیانه و جنوب صحرای آفریقا و همچنین بسیاری از کشورهای دیگر جهان در حال توسعه عمل خواهد کرد. از اینرو هم خاورمیانه و هم کشورهای جنوب صحرای آفریقا، منابع و بازارهای مهمی برای چین هستند. خاورمیانه و کشورهای جنوب صحرای آفریقا منبع انرژی و همچنین مواد معدنی صنعتی و منابع



کشاورزی هستند و از نظر بازار، هر دو منطقه برای کالاها، خدمات و سرمایه‌گذاری چینی مهم هستند. همچنین هر دو منطقه برای چین مهم هستند تا از حاکمیت و تمامیت ارضی خود در برابر ایالات متحده محافظت کند. در حال حاضر نیز چین در پی ایجاد نظم جدید جهانی است که از طریق برنامه عظیم «کمربند و جاده»¹ قابل تحقق است و با ابزارهای مختلف سیاست خارجی از این برنامه حمایت میکند [30]. چین مستقیماً از طریق روابط تجاری و سرمایه‌گذاری رو به رشد خود اقتصاد کشورهای در حال توسعه در آسیا و آفریقا را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ سرمایه‌گذاری‌ها شامل سرمایه‌گذاری مستقیم توسط شرکت‌های چند ملیتی چین، به‌ویژه در بخش تولید و وام‌هایی که به دولت‌ها برای تامین مالی پروژه‌های زیرساختی، انرژی و ساخت‌وساز توسط شرکت‌های دولتی چین داده می‌شود. به طور معمول، بانک توسعه چین یا بانک صادرات و واردات به دولت‌های خارجی وام می‌دهد که برای تکمیل پروژه نیاز به قرارداد با شرکت‌های دولتی چین و نیروی کار دارد. وام‌ها اغلب می‌توانند در دوره‌های طولانی‌تری نسبت به آنچه معمولاً در بازار ارائه می‌شوند و گاهی اوقات به شکل کالا بازپرداخت شوند [20].

برای تحقق این سیاست خارجی چین و برای حمایت از ابتکار کمربند و جاده، توسعه مناطق آزاد تجاری و مناطق ویژه اقتصادی ابزاری اساسی است [30]. مناطق ویژه اقتصادی خارج از کشور توسط سرمایه‌گذاران چینی در اواخر دهه ۱۹۹۰ آغاز شد و اولویت بالایی به آن داده شد. دولت در قالب مشوق‌ها، کمک‌های مالی، وام‌های بلندمدت و یارانه به شرکت‌های چینی که در مناقصه‌های رقابتی برای ساخت مناطق برنده می‌شوند، ارائه می‌دهد [20].

همچنین در کنار انگیزه چین برای سرمایه‌گذاری خارجی، به دلیل موفقیت‌های مناطق ویژه اقتصادی، علاقه فزاینده‌ای در میان دولت‌های کشورهای در حال توسعه برای اتخاذ جنبه‌هایی از این رویکرد چین در توسعه اقتصادی وجود دارد و اخیراً به امید تکرار برخی از موفقیت‌های چین، مناطق ویژه اقتصادی را راه‌اندازی کرده‌اند [20].

از سال ۱۹۹۰ تا کنون، شرکت‌های چینی مناطق ویژه متعددی در جنوب صحرای آفریقا و خاورمیانه ایجاد کردند، از جمله: نیجریه، زامبیا، جیبوتی، کنیا، موریس، موریتانی، مصر، عمان و الجزایر. به طور کلی، دولت چین رویکردی غیرمستقیم اتخاذ می‌کند و کار برای ایجاد چنین مناطقی را به شرکت‌های چینی واگذار می‌کند (اگرچه حمایت‌هایی را در قالب کمک‌های مالی، وام‌ها و یارانه‌ها از جمله حمایت از طریق صندوق توسعه چین آفریقا ارائه می‌دهد). این مناطق اکنون نقش انتقال موفقیت‌های توسعه چین به سایر کشورها، افزایش فرصت‌های تجاری برای شرکت‌های تولیدی چین، اجتناب از موانع تجاری با ایجاد مناطق در کشورهای دارای دسترسی تجاری ترجیحی به بازارهای مهم، و ایجاد یک محیط کسب‌وکار مثبت برای شرکت‌های کوچک و متوسط چینی که در این مناطق سرمایه‌گذاری می‌کنند را دارند [30]. همچنین این استراتژی، حمایت از چین در سیستم بین‌المللی را تقویت می‌کند و در عین حال به حمایت از اهداف کشورهای در حال توسعه از طریق همکاری جنوب-جنوب² کمک می‌کند. این سرمایه‌گذاری‌ها به چین کمک می‌کنند تا به عنوان یک قدرت بزرگ مسئول در این مناطق نقش بین‌المللی خود را ایفا کند. در واقع سرمایه‌گذاری در مناطق ویژه سایر کشورها در چارچوب سیاست چین در رقابت جهانی قرار می‌گیرند [30].

¹ The Belt and Road Initiative

² South-South Cooperation



به طور کلی، دولت چین برای ایجاد مناطق ویژه به شرکت های چینی متکی است و رویکردی نسبتاً غیرمستقیم دارد. خارج از مشوق های مالی مختلف، دولت چین مستقیماً در طراحی یا بهره برداری مستقیم از مناطق دخالت نمی کند. این شرکت ها مسئول ساختن مناطق و جذب شرکت های چینی و دیگر شرکت های خارجی برای ایجاد عملیات و تشکیل خوشه های صنعتی هستند. برای مثال، کشورها و شرکت های کوچک و متوسط آفریقایی که علاقه مند به سرمایه گذاری در این مناطق هستند می توانند به کمک های بلاعوض، وام ها و یارانه های دولت چین دسترسی داشته باشند [30].

تجربه برخی از سرمایه گذاری های چین در مناطق آزاد سایر کشورها

جدول شماره ۱- برخی از مناطق ویژه اقتصادی چین (SEZs) در خاورمیانه و جنوب صحرای آفریقا

کشور	منطقه	سال شروع	تمرکز صنعت
الجزایر	خاورمیانه	۲۰۰۶	مونتاز خودرو، مصالح ساختمانی
جیبوتی	جنوب صحرای آفریقا	۲۰۱۸	تجارت و تدارکات، پردازش صادرات، تجارت و خدمات پشتیبانی مالی؛ تولید؛ و کالاهای بدون عوارض
مصر	خاورمیانه	۱۹۹۴	منسوجات و پوشاک، تجهیزات نفتی، مونتاز خودرو، مونتاز الکترونیک
اتیوپی	جنوب صحرای آفریقا	۲۰۰۶	ماشین آلات الکتریکی، فولاد و متالورژی و مصالح ساختمانی
کنیا	جنوب صحرای آفریقا	۲۰۱۷	فرآوری کشاورزی، بخش های شیمیایی و ساختمانی، فناوری، هتل و مسافرخانه
موریتانی	جنوب صحرای آفریقا	۲۰۱۵	ماهگیری، معدن، ساخت و ساز، زیرساخت، مسکن اجتماعی، مسکن مسکونی، مراقبت های بهداشتی، ساخت و ساز کارخانه، انرژی های تجدیدپذیر، مخابرات، تصفیه آب، فناوری اطلاعات و ارتباطات، تدارکات، و صنایع تبدیلی کشاورزی
موریس	جنوب صحرای آفریقا	۲۰۰۶	تولید (نساجی، پوشاک، ماشین آلات، فناوری پیشرفته)، فناوری اطلاعات و ارتباطات، تجارت، خدمات (گردشگری، مالی و آموزش)، تجهیزات خورشیدی، فرآوری غذاهای دریایی
نیجریه (دو منطقه)	جنوب صحرای آفریقا	۲۰۰۳ و ۲۰۰۴	تجهیزات حمل و نقل، صنایع نساجی، لوازم خانگی و مخابرات؛ پالایشگاه نفت احتمالی مصالح ساختمانی و سرامیک، آهن آلات، مبلمان، پردازش چوب، پزشکی، کامپیوتر، روشنایی
زامبیا	جنوب صحرای آفریقا	۲۰۰۳	مس، پردازش کبالت، پوشاک، مواد غذایی، لوازم خانگی، تنباکو، الکترونیک
عمان	خاورمیانه	۲۰۱۷	بندر، پالایشگاه نفت، کارخانه منتول، تولید تجهیزات خورشیدی، خودرو، تجهیزات نفت و گاز، توزیع مصالح ساختمانی. شهر صنعتی چین و عمان با منطقه گردشگری
عربستان	خاورمیانه	۲۰۱۶	صنایع سنگین، صنایع معدنی، صنایع پتروشیمی و صنایع پایین دستی با استفاده از منابع محلی کشاورزی، معدنی و غیره
امارت متحده عربی	خاورمیانه	۲۰۱۷	فولاد، بسته بندی، و مراقبت های بهداشتی با ارائه زیرساخت ها، برق و آب

منبع: [20, 31] Knorrich and et al, 2021 & Zhou, 2023.



پارک صنعتی چین و عمان^۱

کشور عمان چشم انداز خود را مبتنی بر متنوع سازی اقتصاد، تشویق توسعه بخش خصوصی و تسهیل رقابت موثر قرار داد. بر اساس این چشم انداز، منطقه ویژه اقتصادی دوqm^۲ در سال ۲۰۱۱ تأسیس شد و دارای مساحتی بالغ بر ۲۰۰۰ کیلومتر مربع است که به عنوان بزرگترین منطقه اقتصادی خاص در خاورمیانه و شمال آفریقا در نظر گرفته می شود. این منطقه به عنوان یک منطقه اقتصادی جامع طراحی شده است که نه تنها به عنوان بندر کارایی دارد، بلکه صنایع، گردشگری و آموزش را نیز در این منطقه توسعه می یابد. در سال ۲۰۱۶، قراردادی بین مقامات این کشور و چین امضا شد و هر دو طرف توافق کردند که یک پارک صنعتی چین و عمان در این منطقه آزاد با سرمایه گذاری کلی حدود ۱۰ میلیارد دلار بسازند. پارک صنعتی چین و عمان بزرگترین پارک صنعتی است که توسط یک کشور واحد سرمایه گذاری شده است و شامل ۳۵ پروژه برنامه ریزی شده، از جمله بهره برداری نفت، ساخت و ساز، تدارکات، انرژی خورشیدی، بیمارستان ها، مدارس و سایر زیرساخت ها است. مشارکت چین در این منطقه توسعه زیرساخت ها را ارتقا داده است. علاوه بر این، چین از مزایای نسبی خود برای تسهیل توسعه منابع انسانی در عمان استفاده کرد. با توجه به اینکه چین تجربه آموزش نیروی کار ماهر را دارد که صنایع تولیدی را تسهیل کرده است، چین برنامه های آموزشی برای جوانان عمانی، به اشتراک گذاری تجربه مدیریت و برگزاری جلسات آموزشی در زمینه فناوری های جدید و منابع انسانی ارائه کرده است.

با این حال، نگرانی هایی در مورد پارک صنعتی چین-عمان در برخی جنبه ها وجود دارد. ابتدا، این سوال مطرح می شود که آیا سرمایه گذاری های عظیم چین در عمان منجر به بار بدهی بر کشور دریافت کننده سرمایه گذاری می شود یا خیر. شرایط مشابه سرمایه گذاری های انبوه که در برخی از کشورهای آفریقایی و آسیایی رخ داده است، منجر به مشکلاتی برای کشورهای دریافت کننده در پرداخت بدهی شده است. دوم، تأثیر ارتقای اشتغال جوانان عمانی در پروژه سرمایه گذاری چینی، نیاز به ارزیابی بیشتر دارد و عدم تمایل برخی سرمایه گذاران چینی به استخدام افراد عمانی ممکن است مانع از تأثیر سرمایه گذاری های چینی بر ارتقای اشتغال محلی و رشد اقتصادی پایدار شود [31].

پروژه یکپارچه پتروشیمی و فیبر شیمیایی در عربستان

نوسانات قیمت نفت در بازار بین المللی باعث ایجاد بی ثباتی شده است، پتانسیل عربستان سعودی برای رشد اقتصادی بلندمدت را مختل کرده و این کشور را برای ارتقای تحولات ساختاری و تنوع اقتصادی تشویق کرده است. در سال ۲۰۰۶، عربستان سعودی تصمیم به ساخت پروژه یکپارچه الیاف پتروشیمی و شیمیایی در شهر جازان عربستان سعودی برای صنایع اولیه و پایین دستی^۳ با مساحت ۱۰۶ کیلومتر مربع گرفت. موقعیت جغرافیایی این پروژه در سواحل دریای سرخ نشان دهنده اهمیت استراتژیک این منطقه در کشتیرانی بین المللی و مزایای این منطقه در ارتباط با سایر شهرهای عربستان سعودی از طریق هوا و شبکه های جاده ای است. هدف توسعه صنایع سنگین، صنایع معدنی، صنایع پتروشیمی و صنایع پایین دستی با استفاده از منابع محلی کشاورزی، معدنی و غیره است.

¹ China-Oman Industrial Park in Duqm

² Duqm

³ The petrochemical and chemical fibre integrated project in Saudi Arabia's Jazan City for Primary and Downstream Industries (JCPDI)



در سال ۲۰۱۶، شرکت چینی پان آسیا^۱ شروع به ساخت یک پروژه پتروشیمی و فیبر شیمیایی در این منطقه با سرمایه گذاری برنامه ریزی شده ۳.۲ میلیارد دلار کرد. این پروژه نه تنها از سوی سرمایه گذاران چینی بلکه از سوی دولت عربستان سعودی نیز حمایت می شود. این پروژه از وام های بلندمدت کم بهره از صندوق توسعه صنعتی عربستان برخوردار است و واردات ماشین آلات، تجهیزات و مواد خام از حقوق گمرکی معاف است. این پروژه نشان دهنده یک حرکت انقلابی در فرآیند تنوع اقتصادی در عربستان است [31].

منطقه نمایش ظرفیت صنعتی چین و امارات متحده عربی

در چارچوب چشم انداز امارات متحده عربی یعنی رشد تولید ناخالص داخلی واقعی غیرنفتی، این کشور قصد دارد اقتصاد مبتنی بر دانش را توسعه دهد و از موقعیت جغرافیایی کشور برای تسهیل امور مالی، تجارت و ارتباطات بین المللی استفاده کند. برای تحقق اهداف توسعه، ساخت منطقه صنعتی خلیفه ابوظبی^۲ برای جذب سرمایه گذاری خارجی رونمایی شد. هدف توسعه صنایع در بخش های مختلف مانند فولاد، بسته بندی، و مراقبت های بهداشتی با ارائه زیرساخت ها، برق و آب است. امارات متحده عربی به عنوان بزرگترین بازار صادراتی چین و دومین شریک تجاری بزرگ در جهان عرب، یکی از مهمترین شرکای چین در خاورمیانه است در سال ۲۰۱۷، چین و امارات توافق نامه ای برای ساخت منطقه نمایش ظرفیت صنعتی چین و امارات متحده عربی^۳ به مساحت ۱۲.۲ کیلومتر مربع در منطقه صنعتی خلیفه ابوظبی امضا کردند. هدف این پروژه جذب سرمایه گذاری ها و شرکت ها در صنایع تولیدی سازگار با محیط زیست و فناوری فشرده و صنایع سوم، از جمله مصالح ساختمانی، غذا، امور مالی و بسته بندی است. علاوه بر تلاش های شرکت های چینی برای ایجاد زیرساخت ها، امارات متحده عربی نیز با ارائه سیاست های مطلوب، به رشد این پروژه کمک کرده است. شرکت ها و افرادی که در این پروژه سرمایه گذاری می کنند از مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر درآمد و مالیات بر مصرف معاف هستند. تلاش های چین و امارات متحده عربی برای توسعه این منطقه صنعتی با تقویت روابط دوجانبه بین دو کشور مرتبط است. مزیت های نسبی امارات در حمل و نقل، ارتباطات بین المللی و منابع نفتی به سرمایه گذاران چینی کمک می کند تا در هزینه های تولید و حمل و نقل بین المللی صرفه جویی کنند و در نتیجه رقابت پذیری محصولات را در بازار جهانی افزایش دهند. علاوه بر این، با توجه به اینکه امارات متحده عربی بارندگی کمی دارد و با کمبود منابع آبی برای توسعه کشاورزی مواجه است، یک شرکت چینی متخصص در کشاورزی هوشمند، توافق نامه ای را برای سرمایه گذاری در توسعه کشاورزی محلی در امارات امضا کرد [31].

پارک صنعتی اتیوپی

پس از شهرت موفقیت های چین در مناطق ویژه اقتصادی در سطح جهان، اتیوپی مقاماتی را برای بازدید از مناطق ویژه چین فرستاد و پس از بررسی و ارزیابی، همکاری های بعدی شکل گرفت که منجر به مذاکره در مورد پارک صنعتی اتیوپی شد. اتیوپی مستقیماً چین را در ساخت مناطق خود مشارکت داده است. بزرگترین منطقه صنعتی آن پارک صنعتی هاواسا ساخته چینی به ارزش ۲۵۰ میلیون دلار است و منطقه صنعتی شرقی آن تحت مالکیت، توسعه و مدیریت شرکت های

¹ Pan-Asia

² KIZAD

³ China-UAE Industrial Capacity Cooperation Demonstration Zone



خصوصی چینی است. در این کشور، ۲۷۹ شرکت چینی بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷ بیش از ۲۸۳۰۰ شغل ایجاد کردند که ۱۹۰۰۰ نفر در بخش تولید بودند.

سرمایه گذاری چین در اتیوپی بسیار زیاد بوده است به طوری که چین ۳۰ درصد از کل بدهی خارجی در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۷ و ۹۰ درصد از بدهی‌های دوجانبه جدید را به خود اختصاص داده است. با این حال این حجم از بدهی به چین و سایر جنبه‌های رویکرد حاکمیتی چین، مانند رویکرد آن به وام دهی، ممکن است توانایی شهروندان را برای پاسخگو نگه داشتن دولت‌هایشان و فشارها برای اصلاحات حکمرانی خوب را تضعیف کند به طوری که مدل کلی حکمرانی در اتیوپی بسیار متمرکز باقی ماند [20].

مناطق ویژه اقتصادی هند

در پی موفقیت‌های چین در مناطق ویژه، دولت هند یک گروه متخصص به چین فرستاد تا ویژگی‌های مفید مناطق ویژه اقتصادی چین را که می‌توان با شرایط هند تطبیق داد را شناسایی کنند. و به دنبال آن قانون مناطق ویژه اقتصادی هند در سال ۲۰۰۵ به دولت‌های ایالتی آزادی عمل زیادی در زمینه توسعه و مدیریت این مناطق داد و اختیارات قابل توجهی به سطح محلی، تفویض شد.

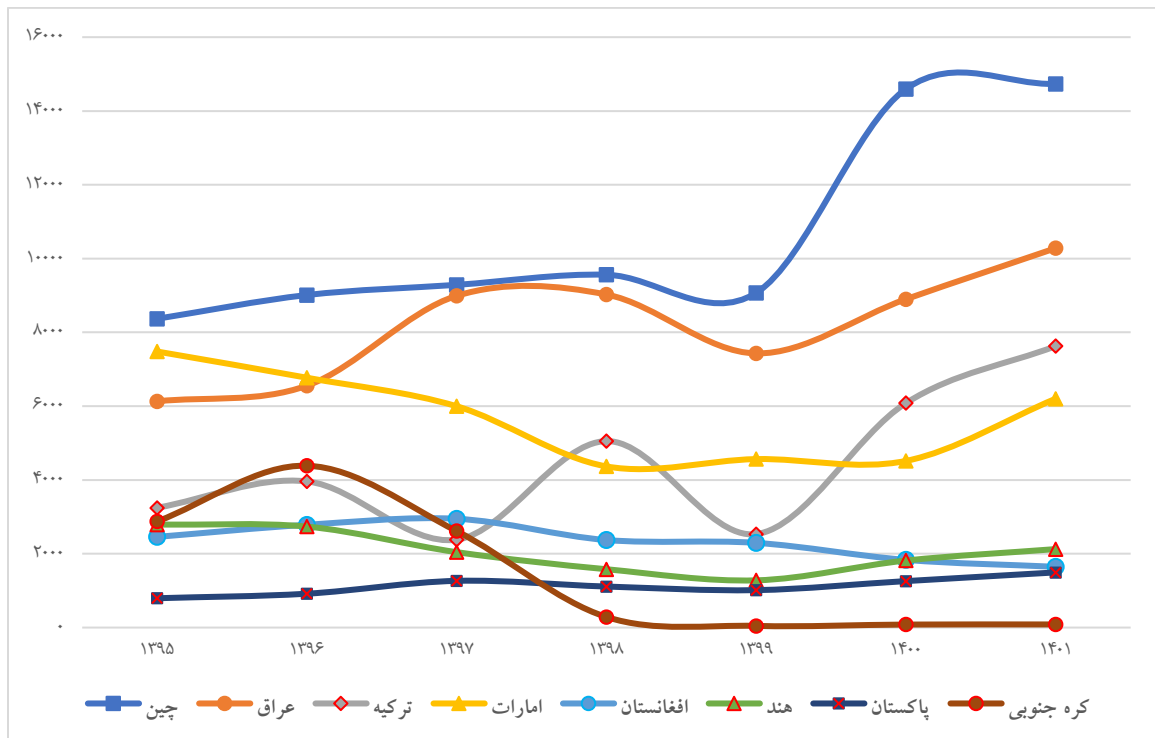
در هند، سرمایه گذاری های جاری و برنامه ریزی شده چین در حال افزایش است و از مرز ۲۶ میلیارد دلار عبور کرده است که برخی از آنها اشتغال قابل توجهی ایجاد کرده است. به طور مثال تولیدکنندگان تلفن همراه چینی در حال گسترش فعالیت‌های خود در آنجا هستند.

با وجود این حجم از سرمایه گذاری در هند، تجربه شرکت های چند ملیتی چینی با سوتفاهمی با فرهنگ‌های محلی و محیط‌های تجاری همراه بوده که می‌تواند به عدم رعایت مقررات کار، مالکیت معنوی، رقابت و محیط‌زیست منجر شود. در هند، چنین تفاوت های فرهنگی باعث درگیری با کارگران محلی شده است [20].

در مجموع، ساخت مناطق ویژه توسط شرکت‌های چینی و سرمایه‌گذاری‌های چینی در آنها، فرصت‌هایی را برای تحول و توسعه ساختاری در کشورهای آسیایی و آفریقایی ارائه می‌دهد. با این حال، دیدگاه‌هایی منفی مربوط به سرمایه‌گذاری‌ها و وام‌های چینی وجود دارد که به طور بالقوه می‌تواند اثرات مضر بر اقتصادهای در حال توسعه داشته باشد. یک رویکرد هوشمندانه برای مشارکت مستقیم چین و سرمایه‌گذاری در این مناطق مورد نیاز است؛ رویکردی برای به حداکثر رساندن تأثیرات مثبت و در عین حال اطمینان از کاهش پیامدهای منفی بالقوه [20].

روابط تجاری ایران و چین

در طی سال‌های گذشته بیشترین حجم صادراتی ایران به کشورهای چین، عراق، ترکیه، امارات، کره جنوبی، افغانستان، هند و پاکستان بوده که در این بین بزرگترین کشور صادراتی برای ایران چین است. نمودار شماره (۲) نشان می‌دهد که علیرغم تحریم‌ها، حجم صادرات ایران به این کشور افزایشی بوده است.



منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران

با وجود موقعیت استراتژیک ایران در خصوص مناطق آزاد به خاطر دسترسی به آبهای آزاد، باید توجه داشت که فرصت‌هایی که از آنها تحت عنوان مزیت‌های مناطق آزاد کشور در تجارت بین‌المللی یاد می‌شود، در حال حاضر توسط رقبای منطقه‌ای به فعلیت درآمده‌اند و تبدیل به نقاط قوت آنها شده‌اند برای مثال با وجود بندر عظیم جبلعلی در دوبی، نمی‌توان از موقعیت استراتژیک جزیره قشم و یا بندر چابهار به‌عنوان قابلیت‌ی برای تبدیل این مناطق به قطب‌های ترانزیتی منطقه و جهان یاد کرد [7]. در این خصوص جذب سرمایه‌گذاران خارجی از طریق سیاست خارجی و توافق‌های دو جانبه و چندجانبه با گول‌های بزرگی مثل چین، می‌تواند به تدریج باعث رونق مناطق آزاد در ایران شود.

تمرکز بر گسترش همکاری‌های اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری کشورهایی که با توجه به دارا بودن ظرفیت‌های مناسب همکاری اقتصادی، به دور از تنش‌های سیاسی، بر اساس روابط برد-برد و دوستانه خواستار گسترش روابط با جمهوری اسلامی ایران هستند از طریق انعقاد موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری می‌تواند به این توسعه کمک کند. به‌عنوان نمونه، در طی دو دهه گذشته رشد پرشتاب و سریع اقتصادی چین به‌عنوان یک کشور در حال توسعه و سرمایه‌فرست، فرصتی بسیار خوبی است تا ایران بتواند از سرمایه‌شرکتهای چندملیتی نوظهور آن بهره‌مند شود. چین در سال ۲۰۱۹ اولین صادرکننده و دومین واردکننده کالا به کشورهای جهان و دومین اقتصاد بزرگ دنیا بر پایه تولید ناخالص داخلی است. در همین راستا موافقتنامه‌هایی نیز جهت ارتقای سطح روابط اقتصادی و سرمایه‌گذاری بین دو کشور جمهوری اسلامی ایران و چین، خلق چین، منعقد گردیده است [22]. با این هدف، بر اساس چشم‌انداز برنامه همکاری‌های جامع (۲۵ساله) ایران و چین، «سوق دادن مشارکت راهبردی جامع چین - ایران، مبتنی بر رویکرد برد-برد در زمینه دوجانبه منطقه‌ای و روابط بین



الملل» شکل گیری یک مشارکت سازنده امکان پذیر است. در بند دوم این تفاهم نامه به صراحت بر همکاری دو کشور در مناطق آزاد و ویژه تاکید شده است. همچنین در بند پنجم ضمیمه سوم این تفاهم نامه با عنوان اقدامات اجرایی به موضوع مناطق آزاد و ویژه پرداخته شده است.

- تشویق و حمایت از سرمایه گذاران چینی برای سرمایه گذاری در مناطق ویژه و آزاد ایران به ویژه در مناطق آزاد قشم، اروند و ماکو؛
- شناسایی و دسته بندی بنادر منتخب ویژه اقتصادی یا آزاد تجاری متناسب با ظرفیت ها و پتانسیل های موجود برای جذب مشارکت و سرمایه گذاری توسط شرکت های چینی؛
- شناسایی و بکارگیری راهبردهای حمایتی و ترغیبی از سرمایه گذاران چینی که مقدمه جذب سرمایه توسط مناطق آزاد و ویژه اقتصادی برمیگردد؛
- دعوت از کارشناسان چینی برای انتقال دانش و تجربیات ایجاد و اداره مناطق آزاد تجاری آزمایشی و مناطق ویژه اقتصادی؛
- حمایت از همکاری و مشارکت بانک سرمایه گذاری توسعه زیرساخت آسیا و صندوق جاره ابریشم در طرح های سرمایه گذاری مناطق آزاد و ویژه ایران؛
- مشارکت در سرمایه گذاری برای تاسیس بورس بین المللی مناطق آزاد ایران و همکاری در راه اندازی منطقه آزاد مشترک فرامرزی در کشور ثالث [32].

به خاطر اثرات متعدد مثبت و منفی که ورود چین در مناطق آزاد ایران می تواند به همراه داشته باشد نیاز است این پیامدها مورد ارزیابی قرار گیرد. با این حال دلایل متعددی برای این باور وجود دارد که پروژه های توسعه مناطق ویژه چین در کشوری مثل ایران ممکن است موفق شوند:

- تجربه موفق چین در استفاده از مناطق ویژه اقتصادی: چین موفق ترین کشور جهان در استفاده از مناطق ویژه به عنوان ابزاری برای جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی و ترویج صنعتی سازی صادرات محور است. دولت های ملی و استانی چین و توسعه دهندگان مناطق خصوصی آن، تخصص قابل توجهی در برنامه ریزی، توسعه و بهره برداری از مناطق ویژه به دست آورده اند [33].
- تجربه موفق چین در سرمایه گذاری در مناطق آزاد تجاری سایر کشورها: بر اساس تجربه ورود چین به مناطق آزاد کشورهای خاورمیانه و آفریقایی، به نظر میرسد به تنوع اقتصادی و توسعه این کشورها کمک کرده است [20, 31, 32].
- تمایل چین به سرمایه گذاری در کشورهای خاورمیانه و آفریقا: سرمایه گذاری چین در سایر کشورها، نقش سیاسی مهمی را به عنوان بخشی از گسترش «قدرت نرم» چین در این کشورها ایفا می کند. دولت چین در این خصوص حمایت مالی و غیرمالی نیز ارائه می دهد شامل کمک های بلاعوض، وام های بلندمدت، پوشش برخی از هزینه های آماده سازی، تخفیف در بهره وام های بانکی چین، و حمایت دیپلماتیک در همکاری با دولت های میزبان [33]. همچنین از زمانی که طرح کمر بند و جاده پیشنهاد شد، چین تلاش های فزاینده ای برای توسعه و

تقویت روابط خود با کشورهای خلیج فارس و سرمایه گذاری در مناطق ویژه اقتصادی در منطقه خلیج فارس انجام داده است [31].

- بزرگترین طرف تجاری ایران: در طی سالهای گذشته بزرگترین کشور صادراتی برای ایران چین بوده است که علیرغم تحریمها حجم صادرات افزایشی بوده است.
- تفاهم نامه ۲۵ ساله ایران و چین: بر اساس این تفاهم نامه، امکانی مبتنی بر رویکرد برد-برد وجود دارد تا سرمایه گذاران چینی برای سرمایه گذاری در مناطق ویژه و آزاد وارد عمل شوند [32].

نتیجه گیری و توصیه های سیاستی

تجربه کشورها نشان می دهد در شرایطی که گرایش به آزادسازی اقتصادی وجود دارد ولی توان اجرای سیاستهای اصلاحات اقتصادی و تجاری به صورت فراگیر وجود ندارد و امکان ورود به بازارهای بین المللی نیز با موانع زیادی مواجه است، منطقه آزاد می تواند به عنوان مهمترین ابزار توسعه صنعتی و افزایش صادرات از طریق جذب سرمایه های خارجی کاملاً موثر باشد [34]. اهداف عمومی ایجاد این مناطق، ایجاد بستری امن برای ارتباط و پیوند با اقتصاد جهانی، جذب سرمایه گذاری خارجی، انتقال تکنولوژی، افزایش و توسعه صادرات، دسترسی به بازار و ایجاد اشتغال است.

چین موفق ترین کشور جهان در استفاده از مناطق ویژه به عنوان ابزاری برای جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی و ترویج صنعتی سازی صادرات محور است. این کشور بیش از ۱۰۰ منطقه در انواع مختلف ایجاد کرد که به یکی از ابزارهای اصلی دولت چین در سطوح محلی، استانی و ملی برای تقویت توسعه فناوری و صنعت تبدیل شده است. همچنین چین توسعه مناطق ویژه اقتصادی در سایر کشورها را به عنوان بعد مهم همکاری بین المللی در چارچوب ابتکار کمربند و جاده می بیند. در این چارچوب، دولت چین مایل است تا تخصص و تجربیات خود را در مورد ایجاد و راه اندازی مناطق ویژه با سایر کشورها به اشتراک بگذارد و در این خصوص شرکت های چینی را در ساخت و اجرای مناطق ویژه خارج از کشور حمایت و ترویج کرده است. بنابراین در کشوری مثل ایران این امکان وجود دارد که پروژه هایی از این دست توسط چین، نه تنها به دلیل تجربه موفقیت آمیز خود چین و حمایت دولت چین، بلکه به دلیل هزینه های تولید پایین در ایران با موفقیت همراه شود.

تکرار مدل توسعه مبتنی بر مناطق آزاد تجاری چین تنها در صورتی می تواند قابل اجرا باشد که اولاً تفاوت های زمانی، سیستمی و دیگر تفاوت های بین چین و کشورهای در حال توسعه امروزی را در نظر بگیرد. این امر مستلزم در نظر گرفتن ویژگی های اقتصادی، نظام سیاسی، روابط بین الملل، فرهنگ و نهادها در مدل ورود کشور چین است. دوماً، باید راه حل هایی شناسایی شود که مزایا را تکرار کرده و از معایب تجربه چین جلوگیری کند که حین سیاست گذاری و تنظیم مقررات امکان پذیر است [20].

به طور کلی، تکرار موفقیت آمیز مدل چین، کاری پیچیده تر از پیروی از یک الگوبرداری ساده از تجربه چین است. در حالی که مشاوره، حمایت و سرمایه گذاری چینی می تواند نتایج مثبت را افزایش دهد، اما عدم برنامه ریزی صحیح در این خصوص می تواند منجر به برخی پیامدهای منفی جدید می شود.

با این حال، برای اینکه این سرمایه گذاری ها به یک نتیجه برد-برد منتهی شود، نیاز است اقداماتی اساسی صورت پذیرد. تعیین این اقدامات نیاز به یک برنامه ریزی مشارکتی با حضور خبرگان اقتصادی و سیاسی در این حوزه دارد. گزارش حاضر



در واقع به عنوان سند پیش نویس برای این برنامه ریزی تهیه شده و پیشنهادهای زیر نیز در این جهت و برای زمینه سازی توسعه مناطق آزاد ارائه می شوند.

بهبود روابط بین الملل

- ۱- برخورداری از صلح و آرامش، روابط بین المللی کم تشنج و رعایت تعهدات بین المللی؛
- ۲- تنش زدایی، ثبات سیاسی و اقتصادی و پیوند با بازارهای بین المللی؛
- ۳- ملحق شدن به سازمان تجارت جهانی؛
- ۴- تدابیر رفع تحریم ها؛
- ۵- بسنده نکردن به کشور چین برای دوری از انحصارگرایی و کاهش قدرت چانه زنی در تنظیم قراردادها.

بهبود ساختار اقتصاد سیاسی داخلی

- ۱- ثبات اقتصاد کلان از طریق کنترل تورم، نرخ ارز و سایر متغیرهای اقتصاد کلان؛
- ۲- پایداری وضعیت سیاسی کشور برای جلب سرمایه گذاران خارجی؛
- ۳- ثبات در قوانین کلی کشور و حکمرانی خوب؛
- ۴- آزادسازی رژیم تجاری کشور، خصوصی سازی و تقویت بخش خصوصی؛
- ۵- تسریع در احداث و تکمیل تأسیسات زیرساختی پروژه های بین المللی ترانزیتی کشور در محورهای شمال - جنوب و شرق - غرب، شامل بنادر، خطوط راه آهن، بزرگراه ها و ... به عنوان یک مزیت مهم برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی.

بهبود ساختار مناطق آزاد

- ۱- تسهیل، شفاف سازی و اصلاح قوانین (پیشنهاد بازنگری و اصلاح قوانین اداره مناطق آزاد و قانون ارزش افزوده) و تسریع در رسیدگی به درخواست های سرمایه گذاری؛
- ۲- تضمین سرمایه سرمایه گذار خارجی: امروزه بسیاری از کشورها جهت افزایش جذب سرمایه گذار خارجی با تصویب قوانین ویژه، سرمایه، سرمایه گذاران خارجی را تضمین می نمایند و این مسئله موجب میشود تا سرمایه گذاران در آرامش و بدون نگرانی در خصوص مسائلی که ممکن است موجب از دست رفتن سرمایه آنان شود به سرمایه گذاری و به کارگیری امکانات خویش در مناطق آزاد این کشورها اقدام نمایند؛
- ۳- امکان نقل و انتقال سرمایه: عدم امکان خروج سرمایه از مناطق آزاد یکی از موانع سرمایه گذاری خارجی می باشد و اختیار خروج و انتقال سرمایه از جمله مشوق های جذب سرمایه گذاری خارجی محسوب می گردد. اجازه انتقال سرمایه توسط سرمایه گذاران در مقررات مناطق آزاد تجاری ایران نیز مورد پذیرش قرار گرفته است، اما در ایران انتقال سود و سرمایه مشمول شرایطی است که نیاز است تعیین تکلیف شود؛
- ۴- تعیین اهداف و حوزه عملکرد تخصصی برای هر منطقه: حمایت ها از توسعه هر منطقه آزاد باید براساس راهبردهای توسعه صنعتی، آمایش و مزیت نسبی هر منطقه متناسب با توسعه زنجیره ارزش باشد؛



- ۶- کاهش تشریفات و سهولت امور اداری و برخورداری از یک سیستم اداری فاقد جنبه های بوروکراتیک در منطقه آزاد؛
- ۷- بهبود تأسیسات زیربنایی و خدمات همگانی مناسب با هدف جذاب کردن منطقه برای سرمایه گذاران؛
- ۸- ایجاد امنیت برای سرمایه گذاری به خصوص سرمایه گذاران خارجی؛
- ۹- آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص و حمایت از جذب نیروهای متخصص، کارآمد و کارآفرین در مناطق آزاد،
- ۱۰- تقویت مدیریت از طریق جذب مدیران شایسته در مناطق آزاد و اداره مناطق آزاد به صورت خودگردانی محلی،
- ۱۱- کاهش وابستگی درآمد سازمانهای مناطق آزاد از محل واردات؛
- ۱۲- ارائه تسهیلات بانکی به طرح های با توجیه اقتصادی و فنی و متناسب با مزیت های نسبی منطقه؛
- ۱۳- کارآمد کردن سیستم بانکی و بیمه ای و ایجاد یک شعبه از بانک های معتبر بین المللی؛
- ۱۴- کاهش وابستگی مناطق آزاد به دولت و کاهش دخالت دولت؛
- ۱۵- کوچک سازی مناطق آزاد؛
- ۱۶- تعریف استانداردهای مشخص برای ارزیابی عملکرد مناطق آزاد؛
- ۱۷- تقویت ظرفیت های گردشگری و ایجاد ظرفیت های جدید؛
- ۱۸- ساختاری واحد برای حل و فصل اختلافات سرمایه گذاران خارجی.

بهره برداری از ظرفیت های موجود در برنامه همکاری های جامع (۲۵ ساله) ایران و چین

بر اساس برنامه همکاری های جامع، امکان سرمایه گذاری چین در حوزه فعالیت های زیر وجود دارد:

- ۱- سرمایه گذاری در زیرساخت ها از جمله حمل و نقل و زیرساخت های دریایی و بندری؛
- ۲- سرمایه گذاری در حوزه های مختلف اقتصادی اعم از نفت، پتروشیمی، صنایع سنگین، کشاورزی، سلامت، برق، شبکه های هوشمند و دانش بنیان و صنایع نوین مانند ارتباطات، خدمات و گردشگری؛
- ۳- انتقال و توسعه فناوری های نوین اعم از انرژی های پاک و تجدید پذیر؛
- ۴- دعوت از کارشناسان چین برای انتقال دانش و تجربیات ایجاد و اداره مناطق آزاد تجاری آزمایشی و مناطق ویژه اقتصادی؛
- ۵- استفاده از ظرفیت های چین در زمینه سرمایه گذاری برای تاسیس منطقه آزاد مشترک فرامرزی در سایر کشورها

پیشنهاد برای مطالعات آینده

در پژوهش حاضر تلاش شد با توجه به منابع موجود نقش چین در توسعه مناطق آزاد ایران بررسی شود. با این حال در خصوص اینکه چگونه این کار انجام گیرد نیاز به یک پژوهش کیفی وجود دارد. در واقع به خاطر اینکه بر اساس منابع موجود این امکان وجود ندارد تا ارزیابی صحیحی از آثار مثبت و منفی ورود چین به مناطق آزاد ایران انجام داد و همچنین در مورد چگونگی این کار نیز اطلاعات و تجربه ای در دسترس نیست نیاز به روش شناسی های کیفی وجود دارد؛ در واقع چون شناخت از موضوع محدود است و همچنین بررسی آن با نظریه ها، مطالعات و اطلاعات موجود تبیین شدنی نیست، نیاز است از روش های تحقیق کیفی استفاده شود.

- [1] خلیلی، ح.، سلطانی، ر.، جلالی، م. (۱۳۹۸). **تعیین مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری ایران و انطباق آن با اصول حاکم بر سازمان تجارت جهانی**. فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری. شماره ۴۲.
- [2] احمدزاده، ب.، لطفی، ح. (۱۳۹۶). **تاثیر مناطق آزاد بر تجارت بین‌المللی: مطالعه موردی منطقه آزاد کیش**. فصلنامه نگرش های نو در جغرافیای انسانی. سال نهم. شماره دوم.
- [3] Sharaf-addeen Alansary, O. Al-Ansari, T. (2023). **Defining 'free zones': A systematic review of literature**. Heliyon 9 (2023) e15344.
- [4] سلامی، ف.، رایین، ف.، ضرونی، ز. (۱۳۹۶). **نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی و ضرورت ایجاد آن در کردستان**. اولین همایش بین‌المللی برنامه‌ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه ای رویکردها و کاربردها. اردیبهشت ۱۳۹۶.
- [5] آموزگار بهمبیری، م.، نادری زاده، س. (۱۴۰۲). **تاریخچه مناطق آزاد ایران و مزایا و معایب آنها**. دومین کنفرانس بین‌المللی و سومین کنفرانس ملی یافته‌های نوین در مدیریت، روان‌شناسی و حسابداری. تیر ۱۴۰۲.
- [6] اسفندیاری، ع.، مقدس حسین زاده، س.، دلآوری، م. (۱۳۸۷). **ارزیابی عملکرد مناطق آزاد تجاری ایران و تاثیر آن در توسعه اقتصادی این مناطق**. نشریه: پژوهشنامه اقتصادی سال ۱۳۸۷، دوره ۸، شماره ۱: (پیاپی ۲۸)، صفحات: ۱۱۹-۱۴۶.
- [7] مرکز پژوهش های مجلس. (۱۳۹۵). **فرا تحلیل مطالعات مناطق آزاد**. دفتر مطالعات اقتصادی. کد موضوعی ۲۲۰. شماره مسلسل ۱۵۰۶۸.
- [8] افتخار جهرمی، گ.، رضوانی، الف. (۱۳۹۵). **الگوی خصوصی‌سازی ساختار اداره مناطق آزاد تجاری**. مطالعات مدیریت راهبردی، شماره ۲۶ - تابستان ۱۳۹۵، صص ۲۷۵ - ۲۴۹.
- [9] مرکز پژوهش های مجلس (۱۳۹۰). **بررسی چالش های مناطق آزاد ایران**. دفتر مطالعات اقتصادی. کد موضوعی: ۲۲۰. شماره مسلسل: ۱۲۰۱۷.
- [10] مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری. (۱۴۰۱). **رهیافت توسعه مناطق آزاد ایران**. گروه پژوهشی توسعه تامین مالی و اقتصاد بین‌الملل مجموعه گزارش شماره ۲۳۳.
- [11] دهمرده، ن.، علی احمدی، ن.، قادری، ع. (۱۳۹۹). **ارزیابی و اولویت‌بندی مناطق آزاد کشور و تاثیر آن در توسعه اقتصادی این مناطق**. فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان. دوره ۷. شماره ۱.
- [12] نصیری اقدم، ع.، افروز کالردهی، الف. (۱۳۹۵). **سازمانهای مناطق آزاد تجاری صنعتی؛ ظرفیتی برای توسعه مناطق محروم و مرزی**. اقتصاد و جامعه، سال سیزدهم، شماره ۳۱.
- [13] رهبر، ف.، یآوری، م.، فوللیدی، م. (۱۳۹۳). **امکانسنجی تبدیل ایران به منطقه آزاد انرژی با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی**. فصلنامه راهبرد اقتصادی. شماره ۸.
- [14] شسیرافکن، م. (۱۳۹۰). **بررسی استراتژیهای رقابتی مناطق آزاد ایران با تأکید بر موقعیت استراتژیک منطقه آزاد چابهار**. فصلنامه دریا و کشتی، شماره ۲.
- [15] لطیفی، غ.، امین آقایی، م. (۱۳۸۵). **جایگاه مناطق آزاد در برنامه‌ریزی منطقه‌های ایران**. فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۳۶.
- [16] رستم گورانی، الف.، بیرانوندزاده، م.، علی زاده، س.، حشمتی جدید، م. (۱۳۹۲). **بررسی جایگاه مناطق آزاد تجاری جزیره قشم در توسعه پایدار و امنیت اجتماعی**. نشریه آمایش سرزمین، دوره ۵، شماره ۱ - شماره پیاپی ۱، صص ۴۹-۲۷.
- [17] بهرامی، ی.، خوش منش، م. (۱۳۹۵). **سنجش رابطه بین توسعه اشتغال و ارتقای امنیت در مناطق آزاد تجاری-صنعتی**. پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی - شماره ۳۴، دوره دوم، تابستان ۱۳۹۵.
- [18] Tao, Y. Yuan, Y. Li, M. (2016). **Chinese Special Economic Zones: Lessons for Africa**. Chief Economist Complex. AEB. Volume 7. Issue 6.



- [19] درگاه خدمات مناطق آزاد و ویژه ایران. (۱۴۰۲). *معرفی مناطق آزاد تجاری و صنعتی و مناطق ویژه ایران*. سازمان توسعه تجارت ایران.
- [20] Knoerich, J. Chantal, L. Goodburn, C. (2021). *Is China's Model of SEZ-Led Development Viable? A Call for Smart Replication*. Journal of Current Chinese Affairs. Volume 50, Issue 2
- [21] خزاییان، خ. کاظمی، م. (۱۳۹۵). *افزایش کارایی اقتصادی کشور با ایجاد و گسترش مناطق آزاد تجاری-صنعتی*. دومین کنفرانس بین المللی مدیریت و اقتصاد در قرن ۲۱، آذر ۱۳۹۵.
- [22] سعادت‌مند، ش. احمدی، ح. همت، م. (۱۴۰۰). *بررسی محدودیتها و ظرفیتهای بینالمللی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در جمهوری اسلامی ایران*. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بینالمللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا شماره ۴۷ - تابستان ۱۴۰۰/ صص ۲۰-۳۰.
- [23] پیری، ص. (۱۳۹۵). *سازمان تجارت جهانی و کشورهای جهان سوم: بررسی موردی روند الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان تجارت جهانی*. سومین کنفرانس بین المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی. تهران، دی ماه ۱۳۹۵.
- [24] World Bank. (2009). *Reshaping Economic Geography*. World Development Report 2009.
- [25] UNDP. (2015). *If Africa builds nests, will the birds come? Comparative Study on Special Economic Zones in Africa and China*. Working Paper series. NO.06.2015
- [26] مرکز پژوهش‌های مجلس. (۱۴۰۲). *مروری بر تجربه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی جهان: (منطقه ویژه اقتصادی سننژن کشور چین)*. دفتر مطالعات اقتصادی. کد موضوعی ۲۲۰. شماره مسلسل ۱۸۹۶۶.
- [27] UNCTAD. (2019). *Special Economic Zones*. World Investment Report 2019
- [28] وزارت امور خارجه. (۲۰۲۳). *مناطق آزاد تجاری در چین*. معاونت دیپلماسی اقتصادی. شهریور ۱۴۰۲.
- [29] مرکز پژوهش‌های مجلس. (۱۳۸۵). *مروری بر تجربه مناطق آزاد تجاری-صنعتی در چین*. دفتر مطالعات اقتصادی. کد موضوعی ۲۲۰. شماره مسلسل ۷۸۶۵.
- [30] Murphy, Dawn C. (2022). *China's rise in the Global South: The Middle East, Africa, and Beijing's alternative world order*. Stanford, California: Stanford University Press.
- [31] Zhou, L. (2023). *Chinese Investments in the Special Economic Zones in the Gulf Region: New Structural Economics Perspective*. Social Change in the Gulf Region pp 531-546.
- [32] وزارت امور خارجه. (۱۳۹۹). *برنامه همکاری‌های جامع (۲۵ ساله) ایران و چین*. ویرایش نهایی. دبیرخانه سازوکار عالی مشارکت جامع راهبردی ایران و چین. خرداد ۱۳۹۹.
- [33] Brautigam, D. Farole, T. Xiaoyang, T. (2010). *China's Investment in African Special Economic Zones: Prospects, Challenges, and Opportunities*. World Bank. Economic Premise. Number 5.
- [34] احمدزاده، ب. لطفی، ح. (۱۳۹۶). *نقش و تاثیر مناطق آزاد در اقتصاد ایران با تاکید بر منطقه آزاد چابهار به منظور ارائه مدلی فرا منطقه ای برای اقتصاد و سیاست خارجی ایران*. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای). سال هفتم. شماره ۴. صص: ۲۴۰-۲۱۷.